Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 7/ No. 1/ 2020
Page: 57-77

Compare emotion recognition dimensions in people with antisocial and obsessive-compulsive personality disorders and those with normal personality

Monir Jamali[1], Farzin Yaghmaee[2], Parviz Sabahi[3], Imanollah Bigdeli[4]

1- Master of Cognitive Psychology, Semnan University, Semnan, Iran.
2- Associate Professor, Department of Electrical & Computer Engineering, Semnan University, Semnan, Iran.
3- Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran (Corresponding Author). E-mail: p_sabahi@semnan.ac.ir
4- Professor, Department of Clinical Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 09/12/2019 **Accepted:** 04/03/2020

Abstract

Introduction: Emotion recognition is an essential ability to understand others' behavior. Emotions can be recognized through facial expression, voice, and gestures.

Aim: This study aims to compare emotion recognition dimensions in people with antisocial (ASPD) and obsessive-compulsive personality disorders (OCPD) and those with normal personality.

Method: The statistical population of this descriptive, causal-comparative research included all female students of Ferdowsi University of Mashhad in the academic year 2016. A total of 400 students were randomly selected to fill out Millon Clinical Multiaxial Inventory, 3rd edition (MCMI-III). Then, a total of 30 students were assigned to each group based on the inclusion criterion. The participants took part in facial, vocal, and somatic emotion recognition and theory of mind tests. Data were analyzed using univariate and multivariate analysis of variance.

Results: Results showed a significant difference between ASPD and OCPD groups for vocal anger emotion arousal ($p=0.028$). The results also showed a significant difference between OCPD and normal personality groups in terms of neutral emotional intensity ($p=0.049$). Moreover, a significant difference was observed between ASPD and normal personality groups for somatic emotion recognition in two states of happiness ($p=0.004$) ($p=0.001$), and between OCPD and normal personality groups in one state of happiness ($p<0.05$).

Conclusion: Individuals with ASPD showed better performance in recognizing somatic emotion, which provides a theoretical ground for new therapeutic methods. However, further studies are required to recognize emotion using different methods (voices, body movements, etc.) in clinical samples.

Keywords: Emotion recognition, Antisocial personality disorder, Obsessive- compulsive personality disorder, Normal

How to cite this article : Jamali M, Yaghmaee F, Sabahi P, Bigdeli I. Compare emotion recognition dimensions in people with antisocial and obsessive-compulsive personality disorders and those with normal personality. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2020; 7 (1): 57-77 .URL: http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-711-fa.pdf

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۹
صفحات: ۷۷-۵۷

مقایسه ابعاد بازشناسی هیجان در افراد با نشانه‌های اختلال شخصیت ضداجتماعی، اختلال شخصیت وسواسی و بهنجار

منیر جمالی[۱]، فرزین یغمایی[۲]، پرویزصباحی[۳]، ایمان اله بیگدلی[۴]

۱.کارشناس ارشد روانشناسی شناختی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
۲. دانشیار، گروه برق وکامپیوتر، دانشگاه سمنان، سمنان ، ایران.
۳. استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه سمنان ،سمنان ، ایران (مولف مسئول). ایمیل: p_sabahi@semnan.ac.ir
۴. استاد، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

مقدمه: توانایی بازشناسی هیجان، برای درک رفتار شخص مقابل ضروری است و بازشناسی هیجان می‌تواند از چهره، صدا و حرکات بدن انجام پذیرد.

هدف: هدف پژوهش، مقایسه ابعاد بازشناسی هیجان در افراد با نشانه‌های اختلال شخصیت ضداجتماعی و وسواسی و عادی بود.

روش: روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی در سال تحصیلی ۱۳۹۵ تشکیل دادند. ۴۰۰ دانشجو به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ی بالینی میلون ۳ را کامل کردند. سپس بر اساس ملاک‌های ورود ۳۰ نفر برای هر گروه انتخاب شدند. آزمون‌های بازشناسی هیجان چهره‌ای، صوتی، تنی و نظریه ذهن بر روی شرکت‌کنندگان اجرا شد. داده‌ها با آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره بررسی شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی در امتیازدهی برانگیختگی هیجان صوتی خشم ($p=۰/۰۲۸$) و بین گروه شخصیت وسواسی و عادی در امتیازدهی شدت هیجان خنثی ($p =۰/۰۴۹$) تفاوت معنادار وجود داشت. در بازشناسی هیجان تن بین گروه شخصیت ضداجتماعی و عادی در دو حالت هیجان شادی ($p=۰/۰۰۴$)، ($p=۰/۰۰۱$) و بین گروه شخصیت وسواسی و عادی در یک حالت هیجان شادی ($p=۰/۰۱۶$) تفاوت معنادار وجود داشت ($p<۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده، افراد با ویژگی‌های شخصیت ضداجتماعی در بازشناسی هیجان تن عملکردی بهتری دارند و می‌توان پیش‌زمینه‌ای نظری برای شیوه‌های جدید درمانی را مطرح کرد. البته تحقیقات بیشتری در بازشناسی هیجان به روش‌های مختلف (صوت، حرکات بدن) در نمونه‌های بالینی ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: بازشناسی هیجان، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، اختلال شخصیت وسواسی، بهنجار

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

مقدمه

شناخت اجتماعی[1] فرایندی است در یک دامنه شناختی خاص انسان؛ شامل اعمال ذهنی که زمینه رفتار و تعامل اجتماعی را برای پاسخ به مشکلات اجتماعی فراهم می‌کند. بیان و بازشناسی هیجان نقش مهمی در شناخت اجتماعی دارد. زمانی که هیجانات ابرازشده توسط دیگران شناسایی می‌شود، نشانه‌هایی دربارهٔ حالات ذهنی افراد به دست می‌آید. علاوه بر این به‌منظور تفسیر علامت‌های اجتماعی در دیگران، افراد باید ازیک‌طرف توانایی همدلی و از طرف دیگر دارای توانایی استفاده از یک چهارچوب مرجع؛ شامل نظریه‌های در مورد رفتار دیگران باشند. به‌عنوان‌مثال ما با در نظر گرفتن افکار و هیجانات دیگران، به انجام رفتارهایی خاص دست می‌زنیم (تگل، کوستانزو، اچاوا وگواین جون[2]،۲۰۱۵). جنبه‌های مستقل شناخت اجتماعی عبارت‌اند از: بازشناسی هیجان[3]، سبک اسنادی[4] و نظریه ذهن (اسچیماسنکی، دیوید، راسلر وهاکر[5]،۲۰۱۰). بازشناسی هیجان شخص دیگر، توسط بیان غیرکلامی از چهره، صدا، یا بدن صورت می‌گیرد و توانایی کلیدی در تعاملات اجتماعی و پیش‌شرطی برای درک و پیش‌بینی و واکنش مناسب به رفتار شخص است (شلگل، گرندجین و شرر[6]، ۲۰۱۴). نقص در بازشناسی هیجان با ضعف مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات و عملکرد بین فردی و رفتار اجتماعی نامناسب مرتبط است (مان ناوا[7]،۲۰۱۲) بر این اساس، نقص در بازشناسی هیجان در انواع مختلف اختلال‌های روانی قابل‌مشاهده است؛ مانند اختلالات خلقی، اختلال خوردن و انواع اختلالات شخصیت (اشنایدر، کریستنسن، هاسینگر، فالگا تر، گیز و کریستین الیز[8]، ۲۰۱۴). پژوهش‌های مختلف نشان داده است، افراد مبتلابه اختلال شخصیت ازنظر کارکرد شناختی دچار مشکل هستند (فرتوک،لنزنوگر، کلارکین،هورمن و استنلی[9]،۲۰۰۶ ؛تروتمن،میلانو واکر[10] ، ۲۰۰۶).در پژوهشی(جمالی، یغمایی، صباحی و بیگدلی،۱۳۹۶)نشان داد شد نقص در توجه انتخابی با بروز نشانه‌های اختلال شخصیت مرتبط است و پیشنهاد شد پردازش محرک‌های اجتماعی در اختلال شخصیت ضداجتماعی[11] و اختلال شخصیت وسواسی[12] مورد بررسی قرار گیرد.

طبق ویرایش پنجم راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی[13] (۲۰۱۳)، شخصیت ضداجتماعی داشتن شش یا بیشتر از هفت صفت شخصیتی مرضی که شامل : بهره‌کشی و بازی دادن دیگران؛ سنگ دلی؛ ستیزه‌جویی؛ خطرپذیری؛ تکانش گری؛ بی مسئولیتی؛ جسور و نترس بودن تعریف‌شده است. مارش و بلر[14] (۲۰۰۸) دریک فرا تحلیل مشاهده کردند، افرادی که علائم رفتار ضداجتماعی را دارند، اغلب در شناسایی هیجان چهره نقص دارند و در شناسایی هیجان ترس ضعیف‌تر عمل می‌کنند؛ که می‌تواند دلیل آن بد کارکردی آمیگدال[15]، منطقه‌ای مربوط به پردازش حالت ترس باشد. بازشناسی هیجان چهره بر روی ۱۲۷ زندانی اسکاتلندی (رابینسون، اسپنسر، تامسون، اسپینگرمایر، اونز، استندفیلد، هال، بیگ، مک اینتایر، مککنی

[1]- Social cognition
[2]- Ruiz-Tagle A, Costanzo E,De Achával D,Guinjoan S
[3]- Emotion recognition
[4]- Attribution styles.
[5]- SchimanskyJ D, Rossler w n & Haker H.
[6]- Schlegel K, Grandjean D & SchererK R
[7]- Mannava S
[8]- Schneider S, Christensen A, Häußinger F B, Fallgatter A J, Giese M A, Christine Ehlis A
[9]- Fertuck E A, lenzenweger M F, clarkin J F, Heormenn s & Stanley B
[10]- Tromtman H, MC Millan A &Walker E.
[11]- Antisocial personality disorder
[12]- Obsessive-compulsive personality disorder
[13]- Diagnostic and statistical manual of mental disorders DSM
[14]- Marsh and Blair
[15]- Amygdala

وجانستون[1]،۲۰۱۲) نشان داد، این افراد به میزان قابل‌توجهی، در بازشناسی هیجانات، خشم، ترس، غم و نفرت ضعیف بودند. در میان تعداد زیادی از مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر در بروز یا بهبود اختلال وسواسی – جبری می‌توان به هیجان اشاره کرد (کاستر، لیمن رادت وکرومبز[2]،۲۰۰۶). نقص در بازشناسی بیان چهره‌ای هیجان سازه‌ای است که می‌تواند در تشدید علائم اختلالات وسواس فکری عملی نقش بسزایی داشته باشد (امیری، قاسم پور، فهیمی، ابوالقاسمی، اکبری، آق و فخاری،۱۳۹۰). طبق ویرایش پنجم راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی (۲۰۱۳)، شخصیت وسواسی داشتن سه یا بیشتر از چهار صفت شخصیت مرضی، شامل: کمال طلبی سخت‌گیرانه؛ درجا ماندگی؛ اجتناب از صمیمیت؛ هیجان پذیری محدود که یکی از آن‌ها می‌بایست کمال طلبی سخت‌گیرانه باشد، تعریف شده است. در فرا تحلیلی که شامل بررسی ۱۴ مطالعه (داروس، زاکزانیس و رکتور[3]،۲۰۱۴) در مورد بازشناسی هیجان چهره در افراد وسواس–جبری انجام شد. بیماران اختلال وسواس–جبری[4] به‌طورکلی نسبت به گروه کنترل دقت کمتری در بازشناسی حالات هیجانی چهره به‌خصوص در بازشناسی هیجانات منفی ازجمله نفرت و خشم داشتند. به علت اینکه پژوهشی در مورد بازشناسی هیجان و نظریه ذهن اختلال شخصیت وسواسی صورت نگرفته است مطالب ذکرشده مرتبط با اختلال وسواس–جبری بود و به دلیل همبودی بالای این دو اختلال (البرت، ماینا، فورنروبوگتو[5]، ۲۰۰۴؛ ساموئلز، نیستاد، بینونو، کوستا، ریدل و لینک[6]،۲۰۰۰) لزوم بررسی متغیرهای حاضر در پژوهش در اختلال شخصیت وسواسی احساس می شود. تحقیقات عصب زیستی بر ادراک هیجانات چهره نشان داده است فعالیت مناطقی از مغز در ارتباط با ادراک چهره افزایش می‌یابد؛ مانند منطقه دو کی چهره[7]، شیار جلوی گیجگاهی[8]، شکنج تحتانی پس‌سری[9]. علاوه بر این گزارش‌شده حالات هیجانی چهره، فعالیت عصبی را به‌صورت شبکه‌ای توزیع‌شده ازجمله آمیگدال، اینسولا[10]، مخچه[11]، پیش پیشانی[12] و همچنین مناطق حدقه‌ای پیشانی[13] مغز راه‌اندازی می‌کند (اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۴). حالات چهره نقش مهمی در عملکرد اجتماعی انسان بازی می‌کند، اما تحقیقاتی نشان داده، درک هیجانات چهره به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر حالات کل بدن قرار دارد (اشنایدر و همکاران ۲۰۱۴) و بازشناسی هیجان توسط زبان بدن احتمالاً سازگاری اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (لوی، وادیا و پارادیسو[14]۲۰۱۳). بازشناسی هیجان را می‌توان از بسیاری از منابع ازجمله صدا، چشم‌ها، ژست بدن و چهره انجام داد. در حال حاضر بسیاری از روش‌های بازشناسی هیجان تنها از یک منبع (به‌عنوان‌مثال شکفته، رفیعی نیا و صباحی، ۱۳۹۲؛ نجاتی و همکاران ۱۳۹۳) استفاده کرده‌اند. با توجه به این‌که ابراز هیجانات افراد در هرلحظه تغییر می‌کند، بررسی از یک روش واحد برای پردازش بازشناسی هیجان، به‌درستی هیجانات را منعکس نمی‌کند (شلگل،

[1]- Robinson, Spencer, Thomson, Sprengelmeyer, Owens, Stanfield, McKechanie
[2]- Koster. Leyman Raedt R,& Crombez G
[3]- Daros, Zakzanis, & Rector
[4]- Obsessive-compulsive disorder

[5]- Albert,mania, Forner, Bogetto
[6]- Samuels, Nestadt, Bienvenu, Costa, Riddle, Liang, Cullen
[7]- The fusiform face area
[8]- Superior temporal sulcus
[9]- Inferior occipital gyrus
[10]- Insula
[11]- The cerebellum
[12]- Prefrontal
[13]- Orbitofrontal
[14]- Loi, Vaidya, & Paradiso

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

گرندجین و شرر، ۲۰۱۴). رافمن، هالبرت اشتات و موررای[1] (۲۰۰۹) سه حالت بازشناسی هیجان چهره، شنیداری و بدن را در افراد مسن بررسی کردند. افراد مسن مشکلات بیشتری در شناسایی هیجان مثبت (شادی) و منفی (خشم، غم) و حالات شنیداری و بدنی نسبت به جوانان نشان دادند. توانایی «نظریه ذهن» درک این موضوع که دیگران واجد حالت‌های ذهنی هستند که می‌تواند متفاوت باحالت‌های ذهنی خود فرد یا واقعیت باشد و اینکه انسان به‌وسیله حالت‌های ذهنی درونی مانند باورهای، امیال یا مقاصد برانگیخته می‌شود (مکائیلی وآدینه،۱۳۹۱). نجّاتی، ناصرپور، ذبیح زاده و رشیدی (۱۳۹۳)در طی بررسی نظریه ذهن و همدلی محکومین دادگاه‌های کیفری با افراد عادی به این نتیجه رسیدند ،عملکرد محکومین دادگاه‌های کیفری در آزمون ذهن‌خوانی معناداری پایین‌تری از همتایان عادی آن‌ها داشتند. در پژوهشی توسط درویشی، علی لو، بخشی پور، فرنام و بهرام خانی(۱۳۹۲) بر روی افراد وسواسی –جبری و بهنجار صورت گرفت، افراد مبتلابه وسواسی-جبری نسبت به گروه بهنجار در تکالیف نظریه ذهن عملکرد ضعیف‌تری داشتند. مسئله‌ی پژوهش حاضر این است که آیا افراد با نشانه های اختلال شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی در بازشناسی هیجان در ابعاد مختلف و نظریه ذهن با افراد بهنجار تفاوت دارند یا خیر؟ ازآنجا یافته‌های برخی از پژوهش‌ها متفاوت است و در ایران نیز مطالعه‌ای با این موضوع صورت نگرفته، لازم است بررسی‌ها در مورد بازشناسی هیجان در ابعاد مختلف صورت گیرد .با اجرای این پژوهش می‌توان پیش‌زمینه‌ای نظری برای طرح شیوه‌های جدید درمانی و مشاوره را مطرح کرد. می‌توان ابزارهایی ساخت که با دقت بیشتری این سازه را از چند بعد بسنجد و برای افزایش مهارت‌های بازشناسی هیجان مورد استفاده قرار گیرد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی، از نوع علی- مقایسه‌ای است. جامعهٔ آماری پژوهش را کلیهٔ دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی شهر مشهد که در سال تحصیلی ۱۳۹۵ این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دادند. ابتدا از بین تمامی دانشجویان دانشگاه ۴۰۰ نفر با روش تصادفی ساده انتخاب و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج ۹۰ نفرانتخاب شدند. ملاک‌های ورود در پژوهش حاضر عبارت بودند از: کسب نمره برش (بر اساس انحراف از میانگین) در آزمون میلون نسخه سوم، دامنه سنی ۱۸ تا ۳۶ سال. همچنین ملاک‌های خروج در پژوهش حاضر شامل: داشتن هرگونه مشکلات حسی و حرکتی، سابقه مصرف هرگونه داروی روان‌پزشکی در رابطه با اختلالات سایکوتیک، خلقی و اضطرابی، سابقه سوءمصرف مواد بود. همچنین به‌منظور کنترل اختلالات همبود از افرادی که ملاک ورود به پژوهش را داشتند مصاحبه بالینی ساختار یافته بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی به عمل آمد. در این پژوهش، ابتدا نرم‌افزار پرسشنامهٔ چند محوری بالینی میلون ۳ بر روی ۴۰۰ دانشجو اجرا شد. (انتخاب این حجم نمونه با توجه به تحلیل زیرگروه و رسیدن به حجم مطلوب در هر گروه بود) ازآنجاکه تعیین حجم نمونه در رابطه با طرح‌های علی_مقایسه‌ای حداقل بین ۱۵ تا ۳۰ نفر ذکرشده نمونهٔ آماری نهایی این پژوهش ۹۰ نفر برآورد

[1]- Ruffman, Halberstadt, & Murray

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

شد که در سه گروه۳۰ نفری اختلال شخصیت ضداجتماعی و اختلال شخصیت وسواسی و عادی جای گرفتند. پیش از اجرا به‌منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، در مورد پژوهش توضیحاتی برای شرکت‌کنندگان ارائه شد و از آن‌ها رضایت آگاهانه اخذ گردید. به‌طورمعمول اجرای آزمون‌ها در ساعت ۱۲-۸ صبح و ۱ تا ۵ بعدازظهر در سه روز به‌صورت متوالی انجام شد؛ و برای هر آزمودنی حدود ۱ ساعت زمان در هر جلسه، برای اجرای آزمون‌ها صرف شد، در این پژوهش در روز اول آزمون صداهای عاطفی مونترال به همراه بخشِ بازشناسی حرکات بدن حالت یکپارچه نور. روز دوم، آزمون نظریه ذهن و حرکات بدن قطعه نور. روز سوم، آزمون بازشناسی هیجان چهره و حرکات بدن نقطه نور اجرا شد. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

ابزار

پرسشنامه چند محوری بالینی میلون۳[1]: پرسشنامه چند محوری بالینی میلون ۳ یک پرسشنامه خود سنجی استانداردشده است که دامنه گستره‌ای از اطلاعات مربوط به شخصیت، سازگاری هیجانی و نگرش مراجع به آزمون را می‌سنجد. این پرسشنامه برای بزرگ‌سالان ۱۸ سال و بالاتر که دست‌کم توانایی خواندن آنان تا سطح کلاس هشتم است طراحی‌شده است. نسخه سه میلون ۱۷۵ سؤال در ۲۸ مقیاس جداگانه داشته و برای اندازه‌گیری میزان پایایی میلون و همکارانش (۱۹۹۴؛ به نقل از آشتیانی و داستانی،۱۳۸۹) نشان دادند که درمجموع میزان پایایی آزمون برابر با ۰/۷۸ است.

آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (بارون-کوهن): برای سنجش نظریه ذهن از آزمون تجدیدنظر شده ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (بارون- کوهن ۲۰۰۱) استفاده شد. فرم تجدیدنظر شده این آزمون (فرم ۳۶ ماده‌ای) شامل عکس‌هایی از ناحیه چشم هنرپیشه‌های زن و مرد بود. با هر ماده چهار توصیف حالت ذهنی (یک حالت هدف و سه حالت انحرافی با همان ارزش هیجانی) ارائه می‌شد. تنها با استفاده از اطلاعات بینایی از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شد کلمه ایی که بهترین توصیف‌کننده فکر یا احساس صاحب چشم‌ها است را انتخاب کنند. ضریب آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۱۷ و پایایی آن به روش کودر-ریچاردسون ۰/۶۹ به‌دست‌آمده است (شکفته و همکاران).

آزمون بازشناسی هیجان چهره‌ای: این آزمون شامل ۴۱ عکس سیاه و سفید از هیجانات چهره‌ای است که در سال ۱۹۷۶ به‌وسیله اکمن و فرایزن (۱۹۷۶) ساخته و جمع‌آوری‌شده است (موسویان و هادیانفرد،۱۳۹۲). ضریب پایایی به روش باز آزمایی این آزمون در فاصله یک هفته ۰/۸۵ گزارش‌شده است. روایی ملاکی هم‌زمان این آزمون با آزمون حافظه وکسلر ۰/۴، پرسشنامه پردازش اطلاعات ۰/۳۲ و بازداری پاسخ ۰/۲۵- به دست آمد (نجاتی وهمکاران،۱۳۹۲).

آزمون صداهای عاطفی مونترال (MVA)[2]: آزمون صداهای عاطفی مونترال ۹۰ ابراز عاطفی غیرکلامی[3] که شامل هشت هیجان خشم، تنفر، ترس، درد، غم، حیرت، شادی و لذت (بعلاوه خنثی) است. این آزمون توسط صدای ۱۰ بازیگر متفاوت (۵ زن و ۵ مرد) و بر اساس

[1]- Millon Clinical Multiaxial Inventory (MCMI-III)

[2]- The Montreal Affective Voices task

[3]- Brust

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

میزان رتبه‌بندی ارزش[1]، برانگیختگی[2] و شدت[3] هیجان صدا ۳۰ شرکت‌کننده جمع‌آوری‌شده است (بلین، فیلیون-بیلودو و گوسلین[4]،۲۰۰۸) در پژوهشی که توسط کوداک ،بلین ،هاما ،ماسودا ، ماتسورا واوکوبو[5] (۲۰۱۳)صورت گرفت آلفای کرونباخ این آزمون برابر با ۰/۹۴ به دست آمد.

درک ابراز ایستا و پویا هیجان بدن توسط نمایش محرک‌های نقطه نور، قطعه نور و یکپارچه نور[6]: این آزمون شامل فیلم‌ها و تصاویر است که در سال ۲۰۰۴ توسط اتکینسون، دیتریچ، جمعل و یونگ [7]ساخته‌شده است. این داده‌ها ۵ حالت هیجانی غم، شادی، ترس، تنفر و خشم را که توسط ۱۰ بازیگر بین سنین ۱۸ تا ۲۲ سال در ۳ سطح معمولی، مبالغه‌آمیز[8] و بسیار مبالغه‌آمیز با چهره پوشیده، در دو مجموعه یکسان نقاط (قطعه) نورانی و یکپارچه نورانی ایجاد شد. اتکینسون و همکاران در سال (۲۰۰۹) فیلم‌های نقطه نورانی و تعدادی حالت خنثی (به‌عنوان‌مثال: خم شدن، جهش، ضربه زدن) را به مجموعه خود اضافه کردند. در این پژوهش برای صحت بازشناسی حرکات بدن، از ۶۰ فیلم یکپارچه نورانی و ۶۰ فیلم قطعه نورانی و ۶۰ فیلم نقطه نورانی استفاده شد. آلفای کرونباخ این آزمون در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۹به دست آمد.

یافته‌ها

کل نمونهٔ موردمطالعه ۹۰ نفر بود؛ که هنگام تجزیه وتحلیل داده‌ها نمرات ۸ آزمودنی به علت کامل نکردن آزمون‌ها از این تعداد حذف شدند. بدین ترتیب ۲۷ نفر اختلال شخصیت ضداجتماعی،۲۶ نفر اختلال شخصیت وسواسی و ۲۹ نفر بهنجار در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره) استفاده شد. در این بخش ابتدا در جدول زیر میانگین و انحراف معیار در سه گروه در بازشناسی هیجان صوت آورده شده است.

[1]- Valence
[2]- Arosul
[3]- Intensity
[4]- Belin, Fillion-Bilodeau, & Gosselin
[5]- Koeda, Belin, Hama, Masuda, Matsuura and Okubo
[6]- Emotion perception from dynamic and static body expressions in point-light and full-light displays
[7]- Atkinson, Dittrich, Gemmell, & Young
[8]- Exaggeration

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار بازشناسی هیجان صوت در سه گروه

هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف معیار	هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف معیار
خشم	شدت هیجان	ضداجتماعی	۵۷/۴۶	۱۵/۴۳	**درد**	شدت هیجان	ضداجتماعی	۵۸/۰۱	۱۳/۹۲
		وسواسی	۶۵/۷۷	۲۱/۴۲			وسواسی	۵۷/۷۳	۲۳/۳۲
		عادی	۶۷/۷۳	۱۶/۵۶			عادی	۶۲/۴۲	۱۶/۸۴
	ارزش هیجان	ضداجتماعی	۲۲/۹۵	۱۱/۲۸		ارزش هیجان	ضداجتماعی	۲۴/۵۴	۱۲/۴۳
		وسواسی	۲۰/۸۵	۱۷/۵۷			وسواسی	۲۲/۲۲	۱۷/۶۸
		عادی	۲۳/۵۷	۱۴/۹۴			عادی	۲۶/۹۴	۱۳/۹۱
	برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۳۴/۶۰	۲۱/۲۹		برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۴۰/۳۷	۱۸/۰۶
		وسواسی	۴۸/۶۴	۲۵/۶۲			وسواسی	۴۳/۲۱	۲۲/۷۶
		عادی	۴۶/۶۷	۲۲/۲۹			عادی	۴۷/۸۶	۱۶/۴۶
شادی	شدت هیجان	ضداجتماعی	۷۲/۴۸	۱۳/۰۹	**خنثی**	شدت هیجان	ضداجتماعی	۳۶/۹۲	۲۲/۵۷
		وسواسی	۶۹/۰۱	۱۶/۵۳			وسواسی	۳۴/۲۲	۲۵/۸۸
		عادی	۶۶/۳۴	۲۱/۹۷			عادی	۵۰/۷۷	۳۱/۶۷
	ارزش هیجان	ضداجتماعی	۷۲/۶۵	۱۱/۸۵		ارزش هیجان	ضداجتماعی	۳۱/۸۵	۱۹/۱۵
		وسواسی	۷۰/۸۲	۱۶/۳۸			وسواسی	۲۲/۴۳	۱۸/۹۶
		عادی	۷۰/۲۶	۱۴/۹۰			عادی	۲۶/۷۰	۲۰/۵۵
	برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۵۷/۲۳	۲۲/۲۳		برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۱۸/۹۳	۱۸/۲۵
		وسواسی	۵۹/۵۲	۱۹/۷۷			وسواسی	۱۶/۱۹	۱۸/۰۳
		عادی	۵۸/۹۵	۲۱/۲۹			عادی	۲۳/۲۷	۲۵/۷۹
غم	شدت هیجان	ضداجتماعی	۶۵/۱۷	۱۳/۸۱	**تعجب**	شدت هیجان	ضداجتماعی	۴۱/۹۹	۲۹/۳۸
		وسواسی	۶۷/۲۱	۲۱/۲۲			وسواسی	۴۱/۵۸	۲۳/۹۹
		عادی	۷۳/۱۱	۱۲/۸۶			عادی	۴۶/۴۲	۲۸/۷۲
	ارزش هیجان	ضداجتماعی	۲۲/۹۳	۱۲/۲۰		ارزش هیجان	ضداجتماعی	۳۶/۷۷	۲۶/۰۰
		وسواسی	۲۰/۰۴	۲۰/۰۴			وسواسی	۲۹/۳۶	۲۲/۷۴
		عادی	۲۳/۷۵	۲۳/۷۵			عادی	۴۰/۶۸	۲۰/۶۹
	برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۴۶/۶۵	۲۰/۹۷		برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۲۹/۴۰	۲۴/۴۹
		وسواسی	۵۲/۹۷	۲۳/۷۸			وسواسی	۳۱/۷۵	۲۷/۷۵
		عادی	۵۷/۱۰	۱۹/۳۲			عادی	۳۲/۶۵	۲۰/۷۶
تنفر	شدت هیجان	ضداجتماعی	۴۹/۲۷	۱۸/۴۹	**ترس**	شدت هیجان	ضداجتماعی	۶۲/۹۵	۱۳/۱۷
		وسواسی	۵۱/۷۴	۲۳/۹۸			وسواسی	۶۳/۸۷	۱۹/۱۰
		عادی	۶۰/۹۰	۱۹/۹۳			عادی	۶۷/۵۳	۱۵/۱۲
	ارزش هیجان	ضداجتماعی	۲۲/۶۱	۱۱/۶۸		ارزش هیجان	ضداجتماعی	۲۸/۱۸	۱۴/۳۵
		وسواسی	۱۹/۳۷	۱۴/۱۶			وسواسی	۲۱/۰۶	۱۱/۹۸
		عادی	۲۵/۸۲	۱۵/۲۰			عادی	۲۷/۱۶	۱۶/۱۲
	برانگیختگی	ضداجتماعی	۳۳/۹۲	۱۸/۷۴		برانگیختگی	ضداجتماعی	۴۸/۴۸	۲۰/۰۸

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

	هیجان	وسواسی	۳۷/۵۰	۲۳/۸۸	هیجان	وسواسی	۴۷/۸۳	۲۳/۵۹
		عادی	۴۰/۵۵	۱۹/۷۱		عادی	۵۰/۸۱	۱۸/۵۲
لذت	شدت هیجان	ضداجتماعی	۴۴/۴۲	۲۰/۱۴	برانگیختگی هیجان	ضداجتماعی	۳۳/۹۵	۲۱/۹۶
		وسواسی	۵۰/۸۴	۲۸/۸۴	**لذت**	وسواسی	۳۷/۷۶	۲۷/۶۸
		عادی	۵۲/۱۶	۲۴/۵۱		عادی	۳۹/۶۰	۲۴/۰۳
	ارزش هیجان	ضداجتماعی	۴۷/۱۰	۲۱/۰۰				
		وسواسی	۴۲/۹۰	۲۷/۹۹				
		عادی	۴۸/۴۴	۲۴/۱۹				

همان گونه که نتایج جدول ۱ نشان می دهد، بالاترین میانگین در انواع بازشناسی هیجان در حالت صوت در سه مؤلفه شدت، برانگیختگی و ارزش در سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی و عادی به ترتیب در هیجان ترس و خنثی بالاترین میانگین در مؤلفه شدت و برانگیختگی (۶۷/۵۳)(۵۰/۸۱)، (۵۰/۷۷)(۲۳/۲۷) متعلق به گروه عادی و در مؤلفه ارزش (۲۸/۱۸)، (۳۱/۸۵) به اختلال شخصیت ضداجتماعی تعلق دارد. در مؤلفه‌ی شدت و ارزش هیجان خشم بالاترین میانگین (۶۷/۷۳)(۲۳/۵۷) متعلق به گروه عادی و در برانگیختگی (۴۸/۶۴) متعلق به شخصیت وسواسی است. ادامه در جدول ۱-ارائه شده است. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی انواع بازشناسی هیجان تن در سه حالت یکپارچه نورانی، قطعه نورانی، نقطه نورانی در سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی و عادی آورده شده است.

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار بازشناسی هیجان تن در سه گروه

هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف معیار	هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف معیار
خشم	یکپارچه نورانی	ضداجتماعی	۷/۳۰	۲/۲۳	**خنثی**	یکپارچه نورانی	ضداجتماعی	۶/۷۳	۲/۲۵
		وسواسی	۷/۲۰	۱/۴۹			وسواسی	۵/۷۳	۲/۶۵
		عادی	۷/۱۳	۱/۵۴			عادی	۶/۰۳	۲/۹۶
	قطعه نورانی	ضداجتماعی	۷/۷۳	۱/۵۹		قطعه نورانی	ضداجتماعی	۵/۸۶	۲/۷۶
		وسواسی	۷/۴۶	۱/۶۷			وسواسی	۶/۱۶	۲/۶۴
		عادی	۷/۵۱	۱/۸۱			عادی	۶/۵۳	۳/۰۹
	نقطه نورانی	ضداجتماعی	۷/۵۰	۱/۷۵		نقطه نورانی	ضداجتماعی	۶/۰۳	۲/۷۰
		وسواسی	۶/۶۳	۲/۰۰			وسواسی	۶/۰۳	۲/۷۴
		عادی	۷/۳۰	۱/۸۵			عادی	۶/۵۶	۲/۴۷
شادی	یکپارچه نورانی	ضداجتماعی	۹/۰۳	۱/۲۹	**ترس**	یکپارچه نورانی	ضداجتماعی	۸/۵۶	۱/۳۵
		وسواسی	۸/۴۳	۱/۵۴			وسواسی	۸/۱۶	۱/۵۱
		عادی	۸/۱۰	۱/۵۳			عادی	۷/۹۰	۱/۹۳
	قطعه نورانی	ضداجتماعی	۸/۹۶	۰/۹۶		قطعه نورانی	ضداجتماعی	۸/۹۶	۱/۰۹
		وسواسی	۸/۶۶	۱/۶۲			وسواسی	۸/۶۰	۱/۴۲
		عادی	۷/۸۳	۱/۷۲			عادی	۷/۷۳	۲/۴۰

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

	نقطه نورانی	ضداجتماعی	۹/۳۶	۰/۸۰۸		نقطه نورانی	ضداجتماعی	۸/۱۳	۱/۷۱
		وسواسی	۸/۹۳	۱/۲۲			وسواسی	۸/۲۶	۱/۶۸
		عادی	۸/۰۳	۱/۴۲			عادی	۷/۲۳	۲/۱۷
غم	یکپارچه نورانی	ضداجتماعی	۷/۵۶	۱/۱۹	**تنفر**	یکپارچه نورانی	ضداجتماعی	۵/۳۰	۲/۱۵
		وسواسی	۷/۳۳	۱/۵۸			وسواسی	۵/۲۰	۲/۶۱
		عادی	۶/۸۰	۱/۹۰			عادی	۵/۳۰	۲/۰۰
	قطعه نورانی	ضداجتماعی	۷/۸۶	۱/۶۵		قطعه نورانی	ضداجتماعی	۶/۲۳	۲/۱۲
		وسواسی	۷/۹۳	۱/۳۶			وسواسی	۵/۲۶	۲/۶۷
		عادی	۷/۳۳	۲/۰۳۹			عادی	۶/۲۳	۲/۸۲
	نقطه نورانی	ضداجتماعی	۷/۱۶	۱/۶۴		نقطه نورانی	ضداجتماعی	۵/۴۰	۲/۳۲
		وسواسی	۷/۱۶	۱/۹۸			وسواسی	۵/۳۰	۲/۴۰
		عادی	۶/۴۰	۲/۰۶			عادی	۶/۰۶	۲/۲۴

همان‌گونه که نتایج جدول۲ نشان می دهد در هیجان خشم در هر سه حالت یکپارچه نورانی (۷/۳۰)، قطعه نورانی (۷/۷۳) نقطه نورانی (۷/۵۰)، بالاترین میانگین متعلق به گروه شخصیت ضداجتماعی است. ادامه در جدول۲ ارائه شده است. در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی انواع بازشناسی هیجان‌های چهره، در سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی و عادی آورده شده است.

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره در سه گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
هیجان خشم	شخصیت ضداجتماعی	۴/۳۶	۱/۱۵
	اختلال شخصیت وسواسی	۴/۲۶	۱/۴۸
	عادی	۴/۸۳	۱/۱۱
هیجان ترس	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۳/۳۰	۱/۲۳
	اختلال شخصیت وسواسی	۳/۴۰	۱/۴۷
	عادی	۳/۳۳	۱/۳۲
هیجان غم	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۵/۸۰	۰/۴۰۶
	اختلال شخصیت وسواسی	۵/۶۰	۰/۶۷
	عادی	۵/۶۶	۰/۵۴
هیجان تنفر	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۵/۴۰	۰/۸۵
	اختلال شخصیت وسواسی	۵/۲۶	۰/۹۸
	عادی	۵/۶۳	۰/۶۱
هیجان شادی	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۵/۹۶	۰/۱۸
	اختلال شخصیت وسواسی	۵/۹۳	۰/۳۶
	عادی	۵/۹۳	۰/۲۵
هیجان تعجب	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۵/۶۰	۱/۱۳
	اختلال شخصیت وسواسی	۵/۷۰	۰/۵۳۴

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

	عادی	۵/۸۳	۰/۳۷
هیجان خنثی	اختلال شخصیت ضداجتماعی	۵/۳۶	۰/۸۵
	اختلال شخصیت وسواسی	۵/۱۳	۱/۴۷
	عادی	۵/۰۳	۰/۸۸۹

همان گونه که در جدول ۳ نشان می دهد در مؤلفه‌ی بازشناسی هیجان چهره خشم بالاترین میانگین (۴/۸۳) مربوط به گروه عادی است. در مؤلفه بازشناسی هیجان چهره ترس بالاترین میانگین (۳/۴۰) مربوط به گروه شخصیت وسواسی است. در مؤلفه‌ی بازشناسی هیجان چهره غم بالاترین میانگین (۵/۸۰) مربوط به گروه شخصیت ضداجتماعی بود. ادامه در جدول۳ ارائه شده است. در شاخص توصیفی نظریه ذهن در سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی و عادی بالاترین میانگین (۲۱/۶۳) متعلق به گروه شخصیت ضداجتماعی بود.

پیش از ارائه نتایج تحلیل واریانس چند متغیره پیش‌فرض‌های مربوطه، شامل همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین) و همگنی ماتریس کوواریانس‌ها (ام باکس) موردبررسی قرار گرفت. در آزمون لوین پیش فرض‌ها تائید شد. در پیش‌فرض آماره‌ی ام. باکس متغیر بازشناسی هیجان صوت برابر با ۲۴۷۵/۸۵، مقدار اماره f برابر ۳/۰۸۳، سطح معناداری نیز برابر ۰/۰۰۰۱ به دست آمد. در پیش‌فرض آماره‌ی ام. باکس بازشناسی هیجان تن برابر با ۸۴۴/۶۴۷، مقدار اماره f برابر ۱/۷۲۹، سطح معناداری نیز برابر ۰/۰۰۰۱ به دست آمد. در پیش‌فرض آماره‌ی ام. باکس بازشناسی هیجان چهره برابر با ۱۹۷/۲۷۵، مقدار اماره f برابر ۱۱۵/ ۳، سطح معناداری نیز برابر ۰/۰۰۰۱ به دست آمد. در جدول ۴ تحلیل چند متغیره سه گروه در بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره ارائه شده است.

جدول ۴ تحلیل چند متغیره سه گروه در بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره

بازشناسی هیجان	اثر	مقدار	آماره f	سطح معناداری	توان آماری
	اثر پیلایی	۰/۷۳۸	۱/۶۷۵	۰/۰۱۴	۰/۹۹۷

براساس نتایج آزمون تحلیل چند متغیره که در جدول۴ آمده است. حداقل در یکی از مؤلفه‌های بازشناسی هیجان بین گروه‌های پژوهش تفاوت معنادار وجود دارد. در جدول ۵ تحلیل واریانس تک متغیره بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره در سه گروه آورده شده است.

جدول ۵ تحلیل واریانس تک متغیره بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره در سه گروه

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره f	سطح معناداری	توان آماری
شدت خشم	۱۷۲۶/۳۴۵	۲	۸۶۳/۱۷۴	۲/۷۲۸	۰/۰۷۱	/۵۲۶
	۲۶۲۶۳/۰۰۱	۸۳	۳۱۶/۴۲۲			
ارزش خشم	۶۹/۶۵۶	۲	۳۴/۸۲۸	۰/۱۵۹	/۸۵۳	۰/۰۷۴

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

	۱۸۱۸۹/۱۳۵	۸۳	۲۱۹/۱۴۶		
برانگیختگی خشم	۳۷۷۵//۶۷۸	۲	۱۸۸۷/۸۳۹	۳/۶۵۸	۰/۰۳۰*	۰/۶۵۹
	۴۲۸۳۹/۴۱۶	۸۳	۵۱۶/۱۳۸			
شدت شادی	۱۲۱۷/۹۰۷	۲	۶۰۸/۹۵۴	۲/۰۷۶	۰/۱۳۲	۰/۴۱۶
	۲۴۳۴۷/۲۳۵	۸۳	۲۹۳/۳۴۰			
ارزش شادی	۴۰۳/۹۷۱	۲	۲۰۱/۹۸۵	۱/۰۵۹	۰/۳۵۱	۰/۲۳۰
	۱۵۸۲۴/۲۲۶	۸۳	۱۹۰/۶۵۳			
برانگیختگی شادی	۲۵۱/۶۶۴	۲	۱۲۵/۸۳۲	۰/۳۰۴	۰/۷۳۹	۰/۰۹۷
	۳۴۳۵۰/۷۶۵	۸۳	۴۱۳/۸۶۵			
شدت ترس	۸۱/۰۰۳	۲	۴۰/۵۰۱	۰/۱۶۰	۰/۸۵۲	۰/۰۷۴
	۲۰۹۵۷/۰۸۵	۸۳	۲۵۲/۴۹۵			
ارزش ترس	۱۰۵۷/۸۷۷	۲	۵۲۸/۹۳۸	۲/۶۰۰	۰/۰۸۰	۰/۵۰۵
	۱۶۸۸۴/۷۴۶	۸۳	۲۰۳/۴۳۱			
برانگیختگی ترس	۸/۲۰۷	۲	۴/۱۰۴	۰/۰۱۰	۰/۹۹۰	۰/۰۵۱
	۳۵۴۴۴/۵۴۲	۸۳	۴۲۷/۰۴۳			
شدت درد	۵۶۴/۴۵۴	۲	۲۸۲/۲۲۷	۰/۹۲۵	۰/۴۰۱	۰/۲۰۵
	۲۵۳۲۰/۲۸۹	۸۳	۳۰۵/۰۶۴			
ارزش درد	۳۱۰/۴۲۵	۲	۱۵۵/۲۱۲	۰/۷۰۶	۰/۴۹۶	۰/۱۶۶
	۱۸۲۳۹/۹۳۲	۸۳	۲۱۹/۷۵۸			
برانگیختگی درد	۵۶۳/۲۴۹	۲	۲۸۱/۶۲۵	۰/۷۹۲	۰/۴۵۶	۰/۱۸۱
	۲۹۵۲۵/۸۶۷	۸۳	۳۵۵/۷۳۳			
شدت تنفر	۱۲۱۲/۱۷۱	۲	۶۰۶/۳۵۹	۱/۵۲۰	۰/۲۲۵	۰/۳۱۵
	۳۳۱۱۷/۵۶۹	۸۳	۳۹۹/۰۰۷			
ارزش تنفر	۳۷۱/۱۳۵	۲	۱۸۵/۵۶۹	۱/۰۶۱	۰/۳۵۱	۰/۲۳۰
	۱۴۵۱۴/۰۶۹	۸۳	۱۷۴/۸۶۸			
برانگیختگی تنفر	۲۳۴/۵۲۰	۲	۱۱۷/۲۶۰	۰/۲۸۶	۰/۷۵۲	۰/۰۹۴
	۳۴۰۵۹/۴۵۸	۸۳	۴۱۰/۳۵۵			
شدت غم	۷۷۲/۲۷۳	۲	۳۸۶/۱۳۷	۱/۵۷۷	۰/۲۱۳	۰/۳۲۶
	۲۰۳۲۴/۳۱۴	۸۳	۲۴۴/۸۷۱			
ارزش غم	۲۶۷/۶۱۱	۲	۱۳۳/۸۰۶	۰/۵۷۴	۰/۵۶۶	۰/۱۴۲
	۱۹۳۵۵/۹۴۹	۸۳	۲۳۳/۲۰۴			
برانگیختگی غم	۱۰۶۵/۶۱۷	۲	۵۳۲/۸۰۹	۱/۱۸۸	۰/۳۱۰	۰/۲۵۴
	۳۷۲۲۲/۳۹۰	۸۳	۴۴۸/۴۶۳			
شدت تعجب	۸۷۰/۴۹۰	۲	۲۴۵/۴۳۵	۰/۳۴۶	۰/۷۰۸	۰/۱۰۴
	۵۸۸۱۷/۶۸۱	۸۳	۷۰۸/۶۴۷			
ارزش تعجب	۱۳۲۰/۵۱۲	۲	۶۶۰/۲۵۶	۱/۲۳۷	۰/۲۹۵	۰/۲۶۳
	۴۴۲۸۸/۷۵۴	۸۳	۵۳۳/۵۹۹			
برانگیختگی تعجب	۲۱۰/۱۵۶	۲	۱۰۵/۰۹۸	۰/۱۸۸	۰/۸۲۹	۰/۰۷۸

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

	۴۶۳۶۳/۸۶۳	۸۳	۵۵۸/۶۰۱		
شدت لذت	۱۲۷۷/۱۴۱	۲	۶۳۸/۵۷۱	۱/۱۶۸	۰/۳۱۶	۰/۲۵۰
	۴۵۳۹۵/۵۰۵	۸۳	۵۴۶/۹۳۴			
ارزش لذت	۱۰۷۹/۵۸۸	۲	۵۳۹/۷۹۴	۰/۹۳۳	۰/۳۹۷	۰/۲۰۷
	۴۸۰۰۲/۴۶۲	۸۳	۵۷۸/۳۴۳			
برانگیختگی لذت	۱۲۹/۶۰۴	۲	۶۴/۸۰۲	۰/۱۰۹	۰/۸۹۷	۰/۶۶
	۴۹۱۸۰/۸۸۵	۸۳	۵۹۲/۵۴۱			
شدت خنثی	۴۸۸۶/۹۲۸	۲	۲۴۴۳/۴۶۴	۳/۳۲۶	۰/۰۴۱*	۰/۶۱۵
	۶۰۹۵۲/۱۷۰	۸۳	۷۳۴/۳۶۳			
ارزش خنثی	۱۳۹۲/۱۱۸	۲	۶۹۶/۰۵۹	۱/۸۱۸	۰/۱۶۹	۰/۳۷۰
	۳۱۷۸۲/۴۹۵	۸۳	۳۸۲/۹۲۲			
برانگیختگی خنثی	۳۳۲/۸۴۱	۲	۱۶۶/۴۲۱	۰/۳۷۸	۰/۶۸۷	۰/۱۰۹
	۳۶۵۶۳/۹۶۶	۸۳	۴۴۰/۵۳۰			
خشم یکپارچه نورانی	۱/۸۷۲	۲	۰/۹۳۶	۰/۳۳۲	۰/۷۱۹	۰/۱۰۱
	۲۳۴/۰۷۶	۸۳	۲/۸۲۰			
ترس یکپارچه نورانی	۳/۶۰۶	۲	۱/۸۰۳	۰/۶۹۰	۰/۵۰۴	۰/۱۶۳
	۲۱۶/۷۶۸	۸۳	۲/۶۱۲			
غم یکپارچه نورانی	۵/۴۷۰	۲	۲/۷۳۵	۱/۱۰۵	۰/۳۳۶	۰/۲۳۸
	۲۰۵/۳۳۱	۸۳	۲/۴۷۴			
شادی یکپارچه نورانی	۱۲/۵۵۲	۲	۶/۲۷۶	۲/۸۲۱	۰/۰۶۵	۰/۵۴۰
	۱۸۴/۶۵۵	۸۳	۲/۲۲۵			
تنفر یکپارچه نورانی	۰/۱۷۶	۲	۰/۰۸۸	۰/۰۱۶	۰/۹۸۴	۰/۰۵۲
	۴۴۵/۰۶۹	۸۳	۵/۳۶۲			
خنثی یکپارچه نورانی	۱۵/۱۶۲	۲	۷/۵۸۱	۱/۰۸۶	۰/۳۴۲	۰/۲۳۵
	۵۷۹/۲۵۴	۸۳	۶/۹۷۹			
خشم قطعه نورانی	۲/۶۳۱	۲	۱/۳۱۵	۰/۴۰۳	۰/۶۶۹	۰/۱۱۳
	۲۷۰/۷۱۶	۸۳	۳/۲۶۲			
ترس قطعه نورانی	۱۷/۱۲۷	۲	۸/۵۶۴	۲/۸۳۵	۰/۰۶۳	۰/۵۴۵
	۲۴۹/۰۹۳	۸۳	۳/۰۰۱			
غم قطعه نورانی	۵/۲۳۴	۲	۲/۶۱۷	۱/۱۸۱	۰/۳۱۲	۰/۲۵۲
	۱۸۳/۸۷۸	۸۳	۲/۲۱۵			
شادی قطعه نورانی	۲۴/۴۵۷	۲	۱۲/۲۲۸	۵/۷۷۹	۰/۰۰۴*	۰/۸۵۷
	۱۷۵/۶۳۶	۸۳	۲/۱۱۶			
تنفر قطعه نورانی	۲۲/۱۱۳	۲	۱۱/۰۵۶	۱/۶۹۸	۰/۱۸۹	۰/۳۴۸
	۵۴۰/۴۵۶	۸۳	۶/۵۱۲			
خنثی قطعه نورانی	۱۴/۸۳۲	۲	۷/۴۱۶	۰/۹۲۱	۰/۴۰۲	۰/۲۰۴
	۶۶۸/۴۵۹	۸۳	۸/۰۵۴			
خشم نقطه نورانی	۱۱/۹۰۸	۲	۵/۹۵۴	۱/۶۷۴	۰/۱۹۴	۰/۳۴۳

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

	۲۹۵/۱۸۸	۸۳	۳/۵۵۶		
ترس نقطه نورانی	۸/۵۰۳	۲	۴/۲۵۲	۱/۲۴۸	۰/۲۹۲	۰/۲۶۵
	۲۸۲/۶۶۴	۸۳	۳/۴۰۶			
غم نقطه نورانی	۱۰/۹۵۸	۲	۵/۴۷۹	۱/۶۱۶	۰/۲۰۵	۰/۳۳۳
	۲۸۱/۳۵۴	۸۳	۳/۳۹۰			
شادی نقطه نورانی	۲۹/۰۲۰	۲	۱۴/۵۱۰	۱۰/۹۰۸	۰/۰۰۰۱*	۰/۹۸۹
	۱۱۰/۴۰۳	۸۳	۱/۳۳۰			
تنفر نقطه نورانی	۱۵/۷۹۰	۲	۷/۸۹۵	۱/۴۸۹	۰/۲۳۲	۰/۳۰۹
	۴۴۰/۰۳۱	۸۳	۵/۳۰۲			
خنثی نقطه نورانی	۱۱/۴۱۴	۲	۵/۷۰۷	۰/۷۹۹	۰/۴۵۳	۰/۱۸۲
	۵۹۲/۵۰۷	۸۳	۷/۱۳۹			
بازشناسی هیجان چهره خشم	۵/۶۲۶	۲	۲/۸۱۳	۱/۹۲۹	۰/۱۵۲	۰/۳۹۰
	۱۲۱/۰۶۸	۸۳	۱/۴۵۹			
بازشناسی هیجان چهره ترس	۰/۸۰۹	۲	۰/۴۰۴	۰/۲۲۷	۰/۷۹۸	۰/۰۸۴
	۱۴۸/۱۳۳	۸۳	۱/۷۸۵			
بازشناسی هیجان چهره غم	۰/۴۷۶	۲	۰/۲۳۸	۰/۷۷۶	۰/۴۶۳	۰/۱۷۸
	۲۵/۴۶۱	۸۳	۰/۳۰۷			
بازشناسی هیجان چهره تنفر	۲/۲۱۸	۲	۱/۱۰۹	۱/۵۶۳	۰/۲۱۶	۰/۳۲۳
	۵۸/۸۶۶	۸۳	۰/۷۰۹			
بازشناسی هیجان چهره شادی	۰/۰۶۳	۲	۰/۰۳۱	۰/۴۳۴	۰/۶۵۰	۰/۱۱۸
	۶/۰۰۷	۸۳	۰/۰۷۲			
بازشناسی هیجان چهره تعجب	۰/۸۴۲	۲	۰/۴۲۱	۰/۷۱۱	۰/۴۹۴	۰/۱۶۶
	۴۹/۱۶۸	۸۳	۰/۵۹۲			
بازشناسی هیجان چهره خنثی	۱/۵۳۰	۲	۰/۷۶۵	۰/۶۱۵	۰/۵۴۳	۰/۱۵۰
	۱۰۳/۲۲۸	۸۳	۱/۲۴۴			

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود با اجرای تحلیل واریانس تک متغیره از بین مؤلفه‌های توانایی بازشناسی هیجان صوت فقط مؤلفه‌های برانگیختگی خشم و شدت خنثی معنادار شده است که به ترتیب ۶۵ درصد و ۶۱ درصد از واریانس‌ها گروه‌ها را تبیین می‌کنند. از بین مؤلفه‌های توانایی بازشناسی هیجان تن فقط مؤلفه‌های قطعه نورانی، نقطه نورانی شادی معنادار شده است که به ترتیب ۸۵ درصد و ۹۸ درصد از واریانس‌ها گروه‌ها را تبیین می‌کنند. در جدول ۶ نتایج مقایسه زوجی سه گروه در بازشناسی هیجان صوت و تن ارائه شده است.

جدول ٦ نتایج مقایسه زوجی سه گروه در بازشناسی هیجان صوت و تن

بازشناسی هیجان	متغیر وابسته	گروه (I)	گروه(J)	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
	امتیازدهی برانگیختگی خشم	ضد	وسواسی	-۱۵/۹۴۸	۵/۹۸۹	۰/۰۲۸

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

صوت		اجتماعی	عادی	-۱۰/۴۴۵	۶/۱۱۰	۰/۲۷۳
		وسواسی	عادی	۵/۵۰۳	۶/۱۳۲	۱/۰۰۰
	امتیازدهی شدت خنثی	ضد اجتماعی	وسواسی	۳/۵۴۱	۷/۱۴۴	۱/۰۰۰
			عادی	-۱۴/۳۶۳	۷/۲۸۸	۰/۱۵۶
		وسواسی	عادی	-۱۷/۹۰۵	۷/۳۱۵	۰/۰۴۹
	شادی حالت قطعه نورانی تن	ضداجتماعی	وسواسی	۰/۳۸۳	۰/۳۸۴	۰/۹۶۱
			عادی	۱/۳۰۱	۰/۳۹۱	۰/۰۰۴
		وسواسی	عادی	۰/۹۱۸	۰/۳۹۳	۰/۰۶۶
	شادی حالت نقطه نورانی	ضد اجتماعی	وسواسی	۰/۵۴۶	۰/۳۰۴	۰/۲۲۹
			عادی	۱/۴۳۹	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰۱
		وسواسی	عادی	۰/۸۹۴	۰/۳۱۱	۰/۰۱۶

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد در امتیاز دهی برانگیختگی خشم در دو گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی (p=۰/۰۲۸) و در امتیازدهی شدت خنثی، دو گروه شخصیت وسواسی و عادی تفاوت معنادار (p=۰/۰۴۹) است. در بازشناسی هیجان شادی دو حالت قطعه نورانی (p=۰/۰۰۴) و حالت نقطه نورانی (p=/۰۰۰۱) در دو گروه شخصیت ضداجتماعی و عادی تفاوت معنادار است. همچنین در هیجان شادی گروه شخصیت وسواسی و گروه عادی در حالت نقطه نورانی (p=۰/۰۱۶) تفاوت معنادار شده است.

بحث

هدف پژوهش حاضر مقایسه ابعاد بازشناسی هیجان و نظریه ذهن در نمونه‌های غیر بالینی شخصیت ضداجتماعی، شخصیت وسواسی و عادی بود. نتایج پژوهش حاکی از وجود تفاوت در بازشناسی هیجان در روش‌های مختلف در شخصیت ضداجتماعی، شخصیت وسواسی و عادی بود. در این پژوهش تفاوتی در صحت بازشناسی هیجان صوت مشاهده نشد؛ اما گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی در امتیازدهی[1] برانگیختگی هیجان خشم باهم متفاوت بودند به طوری که گروه شخصیت ضداجتماعی در امتیازدهی برانگیختگی هیجان خشم امتیاز کمتری نسبت به گروه شخصیت وسواسی به این مؤلفه دادند. بروک وکوسن[2] (۲۰۱۳)در بررسی پردازش هیجان افراد با ویژگی‌های جامعه‌ستیز، ناهنجاری‌هایی در تفسیر رفتاری، روانی-فیزیولوژیکی و فعالیت مناطق مغزی در هنگام پردازش هیجان‌ها مشاهده کردند؛ اما جامعه‌ستیزها در مقایسه با گروه کنترل در امتیازدهی برانگیختگی خود، شدت و ارزش محرک ارائه‌شده تفاوتی نداشت. در تبیین به تفاوت بازشناسی هیجان صوتی (تنها در خشم) در اختلال شخصیت ضداجتماعی می‌توان گفت؛ بر اساس راهنمای

[1]- Rating
[2]- Brook & Kosson

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

آماری و تشخیصی بیماری‌های روانی این افراد دارای ویژگی‌هایی شامل بی‌توجهی بی‌باکانه نسبت به امنیت خود و دیگران و صفت شخصیتی جسور بودن و فقدان ترس هستند؛ بنابراین صدای خشم تأثیر کمتری بر آن‌ها می‌گذارد. بیگلی ،آبراموز و گوسون[1](۲۰۱۳) در مقایسه زندانیان جامعه‌ستیز و زندانیان عادی در بازشناسی هیجان صوت در دو شرایط جنبه معنایی گفتار[2] و جنبه تُن گفتار[3] به این نتایج رسیدند که جامعه‌ستیزها نقص کلی در دسته‌بندی نشانه‌های معنایی گفتار و نقص خاص در دو هیجان غم و شادی دارند. در بازشناسی هیجان حرکات بدن گروه شخصیت ضداجتماعی و عادی در دو حالت قطعه نورانی و نقطه نورانی هیجانِ شادی متفاوت بودند؛ به صورتی که شخصیت ضداجتماعی عملکرد بهتری نسبت به گروه عادی داشت. در فرا تحلیلی توسط داول، کرینیا ، مکونیا و پالرمو[4](۲۰۱۲) صورت گرفت شواهدی از بازشناسی هیجان چهره، صوت و وضعیتی[5] در جامعه‌ستیزها باهدف روشن کردن اینکه آیا نقص در بازشناسی هیجانات منحصر به هیجان خاصی است یا فراگیر هستند؟ انجام شد. این فرا تحلیل شواهدی از اختلالات آشکاری در سراسر روش‌ها برای چند هیجان (نه‌فقط، ترس و غم) در بزرگ‌سالان و نوجوانان مشاهده کرد. در این فرا تحلیل تنها یک پژوهش از روش ژست بدن در بازشناسی هیجان ترس صورت گرفته بود(مونوز[6] ،۲۰۰۹). در تبیین عملکرد بهتر شناسایی بازشناسی ابراز هیجان تنی(تنها در شادی)در اختلال شخصیت ضداجتماعی؛ می‌توان گفت ازجمله گزارش‌های اکمن و فرایزن[7] (۱۹۷۶)از شادی؛ به‌عنوان بارزترین هیجان در بازشناسی شرکت‌کنندگان نام برده‌اند. البته با بررسی میانگین‌های دیگر مؤلفه‌های بازشناسی هیجانات تن در سه گروه، اختلال شخصیت ضداجتماعی بالاترین میانگین در صحت بازشناسی هیجانات خشم ،شادی (سه حالت) ، ترس،تنفر، غم (دو حالت) و خنثی (یک حالت) را نسبت به دو گروه داشت. به نظر می‌رسد این تفاوت مربوط به مرکز ثقل محرک‌های اجتماعی است به‌عنوان‌مثال افراد عادی و شخصیت وسواسی به‌منظور بازشناسی هیجانات به چهره به‌عنوان یک منبع اصلی متمرکز می‌شوند؛ اما افراد ضداجتماعی؛ ازآنجاکه در تعاملات خود در دو مقوله تدافعی و تهاجمی عکس‌العمل نشان می‌دهند بررسی وضعیت تنی یا حرکات بدن افراد برای آن‌ها یک نشانه مهم است؛ بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که در نظر گرفتن وضعیت بدنی افراد بیشترین بار اطلاعاتی را برای این اختلال داشته باشد؛ در یک جمع‌بندی کلی در مورد افراد مبتلابه شخصیت ضداجتماعی و جامعه‌ستیزها می‌توان نتیجه گرفت بدکارکردی آمیگدال و نقص در بازشناسی هیجان‌های ترس و غم بیشترین موارد تائید و اکثر تحقیقات از روش ابراز چهره و سپس از روش صوت برای بازشناسی هیجان استفاده کرده‌اند و از روش تن کمتر استفاده‌شده است؛ بنابراین در مورد بازشناسی هیجان از روش حرکات بدن به تحقیقات بیشتری در این افراد نیاز است. علیرغم شیوع بالای اختلال شخصیت وسواسی، توجه پژوهشی کافی به آن نشده است (بلشفیلد وانتوکیا[8]، ۲۰۰۰؛ گریو[9]، ۲۰۰۴). نتایج این پژوهش با نتایج داروس، زاکزانیس و رکتور (۲۰۱۴)،

[1]- Bagley, Abramowitz& Kosson
[2]- Semantic speech
[3]- Prosodic speech
[4]- Dawel, O'kearney, McKone & Palermo
[5]- Postural
[6]- Muñoz
[7]- Ekman & Friesen
[8]- Blashfield & Intoccia
[9]- Grilo

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

کونرایک، بلاری، فیلوپوب، دانا، فویسیا، هسک، بونا، پلکا و وربانکا[1] (۲۰۰۱) ناهم‌سو و با یافته‌های خرازی، مدرس غروری، بهشتی زاده و هاشمیان(۱۳۹۱)، هانگ، نمکونگ، کانگ،آروای، اس کک، کیم وکیم[2] (۲۰۱۰) و بوزیکاس،کوسمیدیس،جناکو، سایتیس، فوکاس و کاری فال[3] (۲۰۰۹) همسو است. بر اساس نتایج نتایج مطالعه حاضر دو گروه شخصیت وسواسی و عادی در صحت بازشناسی هیجان صوت تفاوتی نداشتند؛ اما در امتیازدهی شدت خنثی، متفاوت بودند؛ به طوری که افراد شخصیت وسواسی نمره شدت خنثی کمتری نسبت به گروه عادی به این مؤلفه دادند.در تحقیقی توسط بوزیکاس وهمکاران (۲۰۰۹) در افراد اختلال وسواس – جبری در صحت بازشناسی هیجان به روش چهره و صدا با گروه سالم تفاوتی مشاهده نکرد. در تبیین امتیازدهی کمتر شدت خنثی در شخصیت وسواسی نسبت به گروه عادی، بر اساس ملاک‌های راهنمای آماری و تشخیصی بیماری‌های روانی به خاطر ویژگی‌های شخصیتی هیجان پذیری محدود و در جاماندگی که احتمالاً به دلیل تردیدشان در بازشناسی هیجان‌ها است خطر کمتری را می‌پذیرند و در جاماندگی بیشتری دارند، درحالی‌که گروه عادی به‌رغم تردیدشان به بازشناسی هیجان مبادرت می‌ورزند. در مطالعه حاضر گروه شخصیت وسواسی عملکرد بهتری در حالت نقطه نورانی هیجانِ شادی تن نسبت به گروه عادی داشتند به نظرمی رسد افراد مبتلابه اختلال شخصیت وسواسی به علت اشتغال خاطر به جزئیات ، بهتر از گروه عادی بازشناسی کرده‌اند. در بازشناسی هیجان چهره‌ای تفاوتی بین گروه‌ها مشاهده نشد. خرازی ، مدرس غروی، بهشتی زاده و هاشمیان (۱۳۹۲)در تحقیقی متشکل از نمونه‌های مبتلایان به اختلال وسواسی- جبری ،تفاوت مهمی در بازشناسی حالات هیجانی چهره بین افراد مبتلابه اختلال وسواس- جبری و همتایان بهنجار آن‌ها مشاهده نکردند. در نظریه ذهن تفاوتی بین سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی و عادی مشاهده نشد. نتایج پژوهش حاضر در نظریه ذهن با یافته‌های ریچل، میتچل، نیومن، لونارد، بارون- کوهن وبلر[4]، (۲۰۰۳)، نتیج، برستین، برکلن واسلات[5] (۲۰۱۵) همسو با یافته های پروکتور و بیل[6] (۲۰۰۹) رعیت معینی، حسن‌آبادی و شعرباف (۱۳۹۳) نا همسو است. در تحقیقی که توسط نتیج، برستین، برکلن واسلات (۲۰۱۵) بر روی تأثیر سوگیری خصومت با کنترل سرعت پردازش خودکار (آهسته و سریع) در آزمون نظریه ذهن چشم‌ها در سه گروه جامعه‌ستیز مجرم، جامعه‌ستیز غیر مجرم و عادی صورت گرفت به این نتیجه رسیدند که افراد جامعه‌ستیز، اگر محدودیت زمانی برای پردازش ذهن‌خوانی چشم نداشته باشند عملکردشان با دیگر گروه‌ها تفاوتی نخواهد داشت. رعیت معینی، حسن‌آبادی و شعرباف (۱۳۹۳) در بررسی نظریه ذهن و کنش‌های اجرایی در بیماران مبتلابه اختلال‌های وسواسی –جبری، دوقطبی، اسکیزوفرنی و افراد بهنجار به این نتیجه رسیدند که بیماران وسواسی- جبری، اسکیزوفرنی و دوقطبی نسبت به گروه بهنجار در توانایی‌های نظریه ذهن و کنش‌های اجرایی عملکرد ضعیفی دارند؛ همچنین استنتاج شد که عملکرد ضعیف در تکلیف نظریه ذهن و کنش‌های اجرایی به وجود

[1]- Kornreich, Blairy, Philippot, Dan, Foisy, Hess, Verbanck
[2]- Jhung, Namkoong, Kang, Ha, R. Y., An, S. K., Kim & Kim,
[3]- Bozikas, Kosmidis, Giannakou, Saitis, Fokas & Garyfallos
[4]- Richell, Mitchell, Newman, Leonard, Baron-Cohen & Blair
[5]- Nentjes, Arntz, Breukelen, Slaats
[6]- Proctor & Beail

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

شدت نقایص در توانایی‌های شناختی این بیماران مرتبط است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از جمعیت بالینی به‌طورکلی نوعی نقص در بازشناسی هیجان را بیان می‌کند. بااین‌حال، شواهد از نمونه‌های غیر بالینی کمتر قوی است (پرادا، تریبی وکرو[1]، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است که نمونه‌های این پژوهش غیر بالینی است درحالی‌که در پژوهش‌های قبلی از نمونه‌های بالینی استفاده‌شده است. تبیین دیگر این است که ابزارهای پژوهش حاضر با ابزارهای پژوهش‌های قبلی متفاوت و بر اساس فرهنگ کشورهای دیگر است؛ پژوهشی برای بیان تفاوت بین فرهنگی در بازشناسی هیجان صوت، بین ژاپنی‌ها و کانادایی‌ها صورت گرفت این دو گروه در امتیازدهی شدت و ارزش، در هیجانات غم و شادی تفاوتی نداشتند؛ اما درشدت پایین و ارزش منفی، هیجانات خشم، تنفر و ترس بین این دو گروه تفاوت معنادار بود. همچنین در صدای هیجان لذت، ارزش مثبت، کمتر و شدت هیجان لذت هم کمتر، توسط شنوندگان ژاپنی امتیازدهی شد. نتایج نشان از اهمیت تفاوت بین فرهنگی در درک ابراز هیجانات پایه مثبت و منفی که به‌صورت صدای غیرکلامی است (کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسورا و اوکوبو،۲۰۱۳). تبیین دیگر از تفاوت بین فرهنگی، تفاوت در قانون‌های ابراز هیجان‌ها در فرهنگ‌های مختلف است (کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسورا و اوکوبو،۲۰۱۳) بعلاوه کلمه‌های استفاده‌شده، برای شرح یا تعریف کردن هیجان‌ها، معنایشان بین زبان‌ها متفاوت است؛ بدیهی ست این‌چنین تفاوت‌های فرهنگی، احتمالاً بیشترین مشکل را در رمزگشایی هیجان‌ها، در افراد متعلق به گروه‌های فرهنگی متفاوت، نسبت به فرستنده ایجاد می‌کند. در یک فرا تحلیل، الفنبین و آمبادی[2] (۲۰۰۲؛ به نقل از کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسورا و اوکوبو،۲۰۱۳) نتیجه گرفتند؛ اگرچه شناسایی هیجان‌ها جهانی است؛ اما شواهدی از برتری بازشناسی هیجان، در داخل گروه وجود دارد. اکثر یافته‌ها حاکی از این است که پژوهش‌ها محدود به ابراز هیجان چهره‌ای و غلبه طولانی نظریه هیجان‌های بنیادی است. تحقیقات آینده، باید هیجانات را از سایر روش‌ها و به‌صورت طبیعی‌تر بررسی کنند. تا از این طریق، دانش ما در مورد تأثیر چنین اختلالاتی در رفتار اجتماعی واقعی افزایش یابد.

سپاسگزاری

در پایان از تمامی کسانی که ما را در اجرای هر چه بهتر این پژوهش بخصوص دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد همراهی کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی می‌کنیم.

References

Aigner M, Sachs G, Bruckmüller E, Winklbaur B, Zitterl W, Kryspin-Exner I, Katschnig H. (2007). Cognitive and emotion recognition deficits in obsessive–compulsive disorder. Psychiatry Research, 149(1-3), 121-128 .

Albert U M G, Fomer F, Bogetto F. (2004). DSMIV obsessive-compulsive personality disorder: prevalence in patients with anxiety disorders and in healthy comparison subjects. Comprehensive Psychiatry, (45), 325-332.

Amiri A, Ghasempour A, Fahimi S, Abolghasemi A, Akbari E, Agh A, Fakhari A. (2012). Recognition of Facial Expression of Emotion

[1]- Prado, Treeby & Crowe

[2]-Elfenbein & Ambady

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

in Patients with Obsessive-Compulsive Disorder and Average People. Armaghane danesh, 17(1), 30-39. (In Persian)

American Psychiatric Association, Diagnostic and statistical manual of mental disorders(Fifth edition) DSM-5.(2013). Washington, DC: Author

Atkinson AP, Dittrich WH, Gemmell AJ, Young AW. (2004). Emotion perception from dynamic and static body expressions in point-light and full-light displays. Perception, 33(6), 717-746 .

Bagley AD, Abramowitz CS, Kosson DS. (2009). Vocal affect recognition and psychopathy: Converging findings across traditional and cluster analytic approaches to assessing the construct. Journal of Abnormal Psychology, 118(2), 388.

Belin P, Fillion-Bilodeau S, Gosselin F. (2008). The Montreal Affective Voices: a validated set of nonverbal affect bursts for research on auditory affective processing. Behavior Research Methods, 40(2), 531-539.

Blashfield RK, Intoccia V. (2000). Growth of the literature on the topic of personality disorders. American Journal of Psychiatry, 157(3), 472-473.

Bozikas VP, Kosmidis MH, Giannakou M, Saitis M, Fokas K, Garyfallos G. (2009). Emotion perception in obsessive–compulsive disorder. Journal of the International Neuropsychological society, 15(1), 148-153.

Brook M, Kosson DS. (2013). Impaired cognitive empathy in criminal psychopathy: Evidence from a laboratory measure of empathic accuracy. Journal of Abnormal Psychology, 156(1)122.

Daros AR, Zakzanis KK, Rector NA. (2014). A quantitative analysis of facial emotion recognition in obsessive–compulsive disorder. Psychiatry Research, 215(3), 514-521.

Darvishi N, Alilou MM, Bakhshipour A, Farnam A, Bahramkhani M. (2013). Theory of mind in obsessive-compulsive disorder patients versus normal individuals. Adv Cogn Sci, (15), 78 . (In Persian)

Dawel A, O'kearney R, McKone E, Palermo R. (2012). Not just fear and sadness: Meta-analytic evidence of pervasive emotion recognition deficits for facial and vocal expressions in psychopathy. Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 36(10), 2288-2304.

Ekman PFW, Palo Alto CA. (1976). Pictures of facial affect: Consulting Psychologist Press.

Fathi-Ashtiani A, Dastani M. (2009). Psychological tests: Personality and mental health. Tehran: Besat, 46 .(In Persian)

Fertuck E A, Lenzenweger MF, Clarkin JF, Hoermann S, Stanley B. (2006). Executive neurocognition, memory systems, and borderline personality disorder. Clinical Psychology Review, 26(3), 346-375.

Grilo CM. (2004). Factor structure of DSM-IV criteria for obsessive compulsive personality disorder in patients with binge eating disorder. Acta Psychiatrica Scandinavica, 109(1), 64-69.

Jamali M, Yaghmaee F, Sabahi P, Bigdeli I. (2017). Comparing the selective attention among individuals with symptoms of antisocial personality disorder, obsessive-compulsive personality disorder and normal individuals. Journal of Clinical Psychology, 3 .(35) (In Persian)

Jhung K, Namkoong K,Kang JI, Ha RY, An SK, Kim CH, Kim SJ. (2010). Perception bias of disgust in ambiguous facial expressions in obsessive–compulsive disorder. Psychiatry Research, 178(1), 126-131.

Kharrazi SMM,Beheshti–Zadeh M, Hashemian S. (2012). The Ability to Recognize Facial Emotional Expressions in Obsessive-Compulsive Disorder Patient and Normal Peers. Advances in Cognitive Sceince, Vol, 14, No, 2 .(In Persian)

Koeda MBP, Hama T, Masuda T, Matsuura M, Okubo Y. (2013). Cross-cultural differences in the processing of non-verbal affective vocalizations by Japanese and Canadian listeners. Frontiersin Psychology Emotion Science, Volume 4, :Article 105.

Komreich C, Blairy S, Philippot P, Dan B, Foisy ML, Hess U, Verbanck P. (2001). Impaired emotional facial expression recognition in

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]

alcoholism compared with obsessive-compulsive disorder and normal controls. Psychiatry Research, 102(3), 235-248.

Loi F, Vaidya JG, Paradiso S. (2013). Recognition of emotion from body language among patients with unipolar depression. Psychiatry research, 209(1), 40-49.

Mannava s. (2012). Age-related Differences in Emotion Recognition Ability: Visual and Auditory Modalities. Vanderbilt University Board of Trust.Spring, Volume 8.

Marsh AA, Blair RJR. (2008). Deficits in facial affect recognition among antisocial populations: a meta-analysis. Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 32(3), 454-465.

Mikaeili n, adineh p. (2012). The Relationship between Cognitive Functions and Theory of Mind in Obsessive-Compulsive Patients.Counseling and Psychotherapy Culture. Quarterly Journal of the Third Year,No. 9 .(In Persian)

Moosavian E, Hadian H.(2013). Investigating the role of facial emotion recognition as an independent .(In Persian)

Nejati V,Naserpur H, Zabihzadeh A, Rashidi M. (2014). A study of theory of mind and empathy in convicts of penal courts:Evidences from reading the mind test through eye image. journal of Social Cognition, Vol. 3.No.2 .(In Persian)

Nentjes LBD, Arntz A, Breukelen G V, Slaats M. (2015). Examining the influence of psychopathy, hostility biases, and automatic processing on criminal offenders' Theory of Mind. International Journal of Law and Psychiatry,38: 92–99 .

Prado CE, Treeby MS, Crowe SF. (2015). Examining relationships between facial emotion recognition, self-control and psychopathic traits in a non-clinical sample. Personality and Individual Differences, 80, 22-27.

Proctor T, Beail N. (2007). Empathy and theory of mind in offenders with intellectual disability. Journal of Intellectual and Developmental Disability, 32(2), 82-93.

Raeyat-Meoini FHH, Aghamohammadian-Sharbaf H R. (2014). Comparing Theory of Mind and Executive Functions in Obsessive Compulsive Disorder. Schizophrenia, Bipolar and Normal Individuals, Vol. 6. No. 2 .(22) (In Persian)

Richell R, Mitchell D, Newman C, Leonard A, Baron-Cohen S, Blair R .(2003). Theory of mind and psychopathy: can psychopathic individuals read the 'language of the eyes'? Neuropsychologia, 41(5), 523-526.

Robinson L, Spencer MD, Thomson L D, Sprengelmeyer R, Owens DG, Stanfield A C, McKechanie A .(2012). Facial emotion recognition in Scottish prisoners. International Journal of Law and Psychiatry, 35(1), 57-61.

Ruffman T, Halberstadt J, Murray J. (2009). Recognition of facial, auditory and bodily emotions in older adults. Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences, 64(6), 696-703.

Ruiz-Tagle A, Costanzo E, De Achával D, Guinjoan S. (2015). Social cognition in a clinical sample of personality disorder patients. Frontiers in psychiatry, 6, 75.

Samuels J, Nestadt G, Bienvenu OJ, Costa PT, Riddle M A, Liang KY, Cullen BA. (2000). Personality disorders and normal personality dimensions in obsessive-compulsive disorder. The British Journal of Psychiatry, 177(5), 457-462.

Schimansky J, David N, Rössler W, Haker H. (2010). Sense of agency and mentalizing: dissociation of subdomains of social cognition in patients with schizophrenia. Psychiatry Research, 178(1), 39-45.

Schlegel K. (2013). Improving the measurement of emotion recognition ability. University of Geneva.

Schlegel K, Grandjean D, Scherer KR. (2014). Introducing the Geneva emotion recognition test: an example of Rasch-based test development. Psychological Assessment, 26(2), 666.

Schneider S, Christensen A, Häußinger FB,Fallgatter A J, Giese M A, Ehlis AC. (2014). Show me how you walk and I tell you how you feel—a functional near-infrared spectroscopy study on

Science, Vol. 16, No. 1 .(In Persian)
Trotman H, McMillan A, Walker E. (2006). Cognitive function and symptoms in adolescents with schizotypal personality disorder. Schizophrenia bulletin, 32(3).

emotion perception based on human gait. Neuroimage, 85, 380-390.
Shekofteh s, Rafieinia p, Sabahi p. (2014). The comparison of theory of mind and facial emotion recognition in psychotic, neurotic and normal individuals. Advances in Cognitive

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.5.2]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.57]